

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

الحاج خلیل الله ناظم باختری

## "گوهر حقیقت"

دو بیته ها ، رباعیات و غیره

(بخش ششم)

### تعذیب ملت

طالب گهی به فکر خدا و کتاب نیست  
ظالم هنوز در پی تعذیب ملت است

در فکر روز پُرسش و دارالحساب نیست  
در فکر قدرت است و به فکر صواب نیست

### حقیقتِ اوضاع وطن

امریکه و روسیه، هند و پاکستان قتیش  
امارات عربی ، هم شرقی و هم غربی

دشمن افغان شده ریاض و ایران قتیش  
فتنه به پا می کنند ، کفر و مسلمان قتیش

### به پیشواز لویه جرگه

به گرد هم بنشینیم و مرد کار شویم  
چرا به تلخی ایام سر دچار شویم

به فکر میهن و ابنای آن دیار شویم  
بیا که از غسل جرگه کامگار شویم

### دردِ دوری وطن

به جوف نامه نوشتی که حال تو چون است  
ز حال {ناظم} دوران وطن چه می پرسی

چه گویمت به خدا حال من دگر گون است  
دلَم کباب و تنم خسته و جگر خون است

### کوه و کمر رنگین است

زندگانی چه عجب بهر بشر رنگین است  
مرغزاران چقدر گشته به خون آلوده

روز و شب را بنگر شام و سحر رنگین است  
سبزه و دشت و دمن کوه و کمر رنگین است

### سفسطه

آنکه مغرور است از علم و کمال  
نیش او چون نیش گژدم می شود  
عقل عالم می نماید در نظر  
سفسطه میگوید و حرف کشال  
دشمن و بدخواه مردم میشود  
در خفا هیچ است و یک چیز دگر

### راه خود شناسی

آزرده مشو که راه کشال است  
راه رفتن راه خود شناسی  
بیراهه مرو مادر آل است  
انسانیت است و هم کمال است

### نیکو سرشت

صافیان را رحمت حق شد قبول  
آن یکی را شیوه و کر دار زشت  
دیگران در فکر دنیا اند و پول  
آن دگر آزاده و نیکو سرشت

### سال نو

دیگران در سال نو فریاد و شاد مانی کنند  
دیگران در سال نو کار های عمرانی کنند  
طالبان تکفیر از نوروز باستانی کنند  
طالبان در سال نو گشتار و ویرانی کنند

### هرچه استی

من نمیگویم که در ظاهر مسلمان نیستی  
ریش تو اسلامی و کالای تو افغانی است  
یا نمیگویم که تو از قوم افغان نیستی  
هر چه استی لیک میدانم که انسان نیستی

### عشرتسرا شد کربلا

مملکت ویرانه و از کشته ها شد پشته ها  
میهن عشرتسرای ما شده ماتمسرا  
مرد و زن بیچاره و آواره و بی دست و پا  
کربلا شد کربلا شد کربلا شد کربلا

### نوگری و مضطری

خویشتن را در میان قوم مضطر کرده ای  
گر مسلمان نوکر کافر شود باشد عجب  
هرچه گفتیم از برایت گوش خود کر کرده ای  
چشم ما روشن که سر در پای کافر کرده ای